

اسماعیل نوری علا

اذان بی وقت در ماه بزرگداشت کوروش بزرگ [*]

Azaan e bi-vaqt, dar maah e bozorg-daasht e Kurosh
Untimely skepticism about Cyrus Day

ماجرای انکار اهمیت ماه مهر (اکتبر) برای ما ایرانیان درست در موقعیتی اتفاق می افتد که آگاهی همگانی نسبت به وقایع ماه اکتبر در زمان زندگی کوروش بزرگ روز به روز بیشتر می شود و مردم ما هم مایلند که از این آگاهی گسترنده بین المللی به سود سربلندی خود استفاده کنند و، با تکیه زدن بر میراث گرانقدر این مرد بزرگ، به دنیائی که به آنان به چشم گروگان گیر و تروریست و استتصادی پرور می نگرد، بگویند که ما اینگونه که می بینید نیستیم و در پس پشت ما تاریخی دیگر هم ایستاده است.

اسماعیل نوری علا

اذان بی وقت در ماه بزرگداشت کوروش بزرگ [*]

چند سالی است که چون به ماه اکتبر می رسیم و موضوع بزرگداشت کوروش هخامنشی، بنیانگذار شناخته شده اندیشه آزادی ها و حقوق بشر در تاریخ انسان، مطرح می شود، برخی از نویسندگان با ایجاد شک در اینکه معلوم نیست کوروش فرمان خود را در ماه اکتبر صادر کرده باشد و یا سازمان ملل متحد این فرمان را بعنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر به رسمیت شناخته و از کوروش بزرگ تجلیل کرده باشد، شیرینی این روزهای گرامی مهر ماه را در کام دوستداران ایران و گذشته های پر افتخارش تلخ می کنند و، بجای مطرح کردن پیشنهاداتی سازنده و مفید، آنچه را که داریم نیز به دست شک مخرب می سپارند. در عین حال، در راستای همین دریافت، کوشش می شود که اهمیت توجه و اکرامی که از سوی جهانیان نسبت به مقام معنوی کوروش در سراسر جهان می شود مورد تحقیر قرار گیرد و شادمانی ایرانیان از رویارویی با این تجلیل و اکرام به عنوان نقطه ضعفی از جانب آنان تلقی شود.

من، در این مقاله، می کوشم تا نخست رابطه کوروش بزرگ را با مهرماه (یا اکتبر) توضیح داده و سپس به اهمیت توجه جهانیان به مقام معنوی او اشاره کرده و در پایان نشان دهم که چرا می توان و باید در تجلیل این مرد بزرگ در سراسر مهرماه اقدام کرد.

در واقع، اگرچه منابع تاریخی در مورد روزگار کوروش هخامنشی اندک و پراکنده اند، اما هیچ کدام از مدارک موجود منکر آن نیست که کوروش، پادشاه «انسان» (تقریباً استان فارس کنونی)، پس از یکی کردن سرزمین اش با سرزمین های ماد و ایلام، در سال 539 قبل از میلاد مسیح به پشت دروازه های پایتخت کشور ثروتمند و مقتدر بابل رسید و آن را به محاصره گرفت. [1]

منابع موجود از این هم دقیق تر خبر می دهند؛ گفته می شود که تمام ماجرای فتح بابل، ورود سپاه هخامنشی به آن، و آنگاه ورود کورش به این شهر و صدور نخستین فرمان آزادی های مدنی انسان ها از جانب او، در ماه «تیشتر» آن سال اتفاق افتاده است. این ماه معادل مهرماه تقویم کنونی ایرانی و ماه اکتبر تقویم مسیحی است.

منابع تاریخی از این نیز پا را فراتر نهاده و، متفق القول، به روزشماری از حوادث ماه اکتبر سال 539 قبل از میلاد نیز اشاره می کنند. از جمله اینکه کورش حملات خود به کشور بابل را در آخرین روزهای ماه سپتامبر آغاز کرده [2]، در روز دهم اکتبر شهر «سیپار» را تصرف نموده [3] و در 12 اکتبر، پس از کشته شدن فرمانده نظامی پایتخت این کشور، با سران ارتش بابل به توافق رسید [4]، و ارتش او در روز 14 اکتبر آن سال، بدون خونریزی و چپاول، که رسم آن روزگار بود، وارد پایتخت بابل شد [5]. البته در مورد اینکه کورش خود در کدام روز به داخل شهر پا نهاد اختلاف نظر وجود دارد. برخی از منابع 22 اکتبر و برخی دیگر 29 اکتبر [6] را نام می برند. بهر حال، در یکی از روزهای پایانی ماه اکتبر او وارد بابل شده و در برابر چشمان حیرت زده اهالی آن، فرمان خود را مبنی بر شناختن آزادی ها و حقوق آدمیان اعلام داشته است. بدینسان، این نکات زیر همه از مسلمات تاریخ است:

آخر سپتامبر 539 قبل از میلاد: آغاز محاصره بابل

10 اکتبر 539: تصرف شهر «سیپار»

12 اکتبر: تسلیم سران ارتش بابل به کورش

14 اکتبر: ورود ارتش هخامنشی به بابل

22 یا 29 اکتبر: ورود کورش به بابل و صدور فرمان آزادی ها و حقوق مردمان

حال به اتفاقاتی می پردازم که در پنجاه ساله اخیر در ارتباط با تاریخ های فوق پیش آمده و نشان می دهند که چگونه این تاریخ ها جزء مسلم تاریخ جهان محسوب می شوند.

نخست اینکه، چند سالی مانده به سال 1340 خورشیدی، که مصادف بود با سال 1961 میلادی، این بحث در محافل تاریخ شناسان مطرح شد که سال 1961 برابر خواهد بود با دو هزار و پانصدمین سال ورود کورش بزرگ به پایتخت بابل و آغاز رسمی تاریخی که اکنون جهان آن را با نام تاریخ «شاهنشاهی پارسی» (Persian Empire) می شناسد. یعنی اگر عدد 1961 را با عدد 539 جمع می کردیم به عدد 2500 می رسیدیم.

به نظر می رسد که لازم است به مناسبت چنین تقارن مهمی مراسمی در ایران بر پا شود. اما سال های 1340 تا 1343 سال های آشوب های سیاسی متعددی در ایران بود. رسیدن «جان کندی» به ریاست جمهوری آمریکا با تغییر سیاست حمایتی «آیزنهاور»، رئیس جمهور پیشین آن کشور همراه بود؛ سیاستی که در هشت سال گذشته هم ماجرای 28 مرداد را فراهم کرده و هم پایه های سلطنت باز یافته محمد رضا شاه را تحکیم بخشیده بود. در آن آغارگاهان دهه 1340، نه نخست وزیر جدید، علی امینی، که با روحانیت ارتباط داشت، و نه نخست وزیر بعدی، اسدالله اعلم که مجبور شد با آیت الله خمینی دست و پنجه نرم کند، در موقعیت سیاسی پیش آمده اشتهائی برای برگزاری جشنی در بزرگداشت 2500 مین سال ورود کورش به بابل و آغاز شاهنشاهی ایران از خود نشان دادند و شاه هم گرفتار تر از آن بود که در میانه «انقلاب سفید» و «انقلاب شاه و مردم» به کورش و سالگرد برپائی شاهنشاهی او بپردازد.

تنها در چهارم آبان ماه سال 1346 بود که شاه، با رفتن کندی و جانسون و آمدن نیکسون، به آن پایه از اطمینان رسید که تصمیم بگیرد، 26 سال پس از رسیدن به سلطنت، تازه تاجگذاری کند. و برگزاری جشن های تاجگذاری چنان در زیر دندان شاه مزه

کرد که او به یاد جشن های انجام نشده 2500 سال تأسیس شاهنشاهی ایران افتاد (یا به یادش آوردند) و تصمیم گرفت تا این جشن ها را تبدیل به نمایشی بزرگ کند که نقش مرکزی و اول آن را خود بر عهده داشته باشد. یکی از نخستین مسائل آن بود که چه روزی را برای برگزاری جشن ها انتخاب کنند. عاقبت توافق شد که جشن ها به مدت 4 روز، از بیستم تا بیست و چهارم مهر ماه 1350، برابر با 12 تا 16 ماه اکتبر 1971، برگزار شود. روزهایی که در واقع با سالگرد تسلیم ارتش بابل آغاز شده و به سالگرد ورود ارتش ایران به آن شهر پایان می گرفت. البته زمزمه ای هم بود که تاریخدانان وابسته آن روزگار تاریخ را فقط 14 روز جابجا کنند، تا روز ورود ارتش هخامنشی به بابل در 26 اکتبر اتفاق بیافتد که برابر بود با 4 آبان، روز تولد شاه. اما چنین امری صورت نگرفت، چرا که اطلاعات متقن تاریخی در دسترس چنین اجازه ای را به کسی نمی داد.

به زودی کمیته برگزاری جشن های 2500 مین سالگرد شاهنشاهی ایران (که در واقع در 2510 مین سالگرد آن انجام می شد) به راه افتاد و بسیاری از استادان دانشگاه، روزنامه نگاران، هنرمندان و متخصصین هنرهای نمایشی در آن عضویت یافتند. قرار شد که این کمیته دارای بودجه خاص بوده و مستقل از دولت و دستگاه های اجرایی آن عمل کند. بهر حال، پس از این تصمیم گیری برای برگزاری جشن های 2500 ساله بود که در برخی از اذهان مخالف محمد رضا شاه، جشن های مزبور موجب دلزدگی آنان از ماه اکتبر شد و ما، در طی 35 سال اخیر، کرراً به کوشش هایی برای دور کردن یادمان های کوروش از ماه جشن های شاهنشاهی بر می خوریم. امری که ربطی به کوروش بزرگ ندارد و ناشی از تلقیات سیاسی این اشخاص نسبت به سلطنت است. در این مورد باید توضیح بیشتری بدهم.

من، به عنوان کارشناس ارشد فرهنگی سازمان برنامه که در سال 1350، در سمت معاون آقای دکتر جلال ستاری، استوره شناس مشهور امروز و مدیر کل برنامه ریزی وزارت فرهنگ و هنر آن روز، مأمور کار در آن وزارتخانه شده بودم، شاهد رویدادهایی بودم که در آن 35 سال پیش، در جریان جشن های 2500 ساله و در ارتباط با همین روزشمار لشگرکشی کوروش به بابل پیش آمد. در آن سال من و دکتر ستاری، بی آنکه درگیری خاصی در این ماجرا داشته باشیم، به اقتضای شغلیمان، در جریان فعالیت های کمیته برگزاری جشن ها قرار می گرفتیم.

جشن های 2500 ساله شاهنشاهی ایران در روز بیستم مهر ماه 1350، برابر با 12 ماه اکتبر 1971، با سخنرانی محمدرضا شاه در برابر آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد آغاز شد [7] و او کوشید تا در این مراسم خود را در خور رویارویی با مردی بشناساند که تاریخ به کرات در برابر عظمت روحی و فکری اش سر تعظیم فرود آورده بود. سخنرانی شاه، با جملات مشهورش «کوروش آسوده بخواب، که ما بیداریم»، درست در سالگرد تسلیم ارتش بابل به کوروش بزرگ انجام گرفت.

اما در پی آن مراسم، چهره مرکزی کوروش به کناری گذاشته شد و سران کشورهای مختلف جهان، در برابر تخت جمشید (که روزگاری مقر فرماندهی پادشاه بزرگ دیگر هخامنشی، داریوش، بود) در مجموعه چادرهای سلطنتی به جشن نشستند و، سرانجام، این جشن ها در روز بیست و چهارم مهر 1350 - 16 اکتبر با افتتاح برج بلند «شهید آریامهر»، که اکنون «برج آزادی» خوانده می شود، به پایان رسید.

چند نکته در رابطه با جریان جشن ها قابل توجه است:

1. در این جشن ها آنچه مطرح می شد نقش کوروش بود در بنیانگذاری آنچه که «شاهنشاهی ایران» خوانده شده است. محمد رضا شاه می کوشید تا با تکیه بر این جنبه از شخصیت کوروش، در واقع پلی بین خود و او برقرار کند.

2. جهان اما کورش را نه بخاطر پی افکندن «امپراتوری پارس» که به خاطر فرمان شگفت انگیزش در هنگام ورود به بابل به یاد داشت. به همین دلیل هرکجا که در نقاط دیگر جهان از این جشن ها سخن گفته می شد این نکته نیز یادآوری می گردید که او آن فرمان شگفت انگیز را در 2510 سال پیشتر صادر کرده است.

3. یکی از وقایع مهم این جشن ها آن بود که موزه بریتانیا موافقت کرده بود تا نسخه اصلی «استوانه» ای را که منشور کورش بر آن نقر گردیده بود به ایران وام دهد تا در موزه کوچک زیر برج شهید (آزادی) به نمایش گذاشته شود. در واقع، این اولین بار بود که آن استوانه گرانقدر به ایران می آمد. من خود، دو سه روز پس از پایان جشن ها، به دیدار این سند مهم شتافتم، هرچند که سه سال پیش تر آن را در موزه بریتانیا دیده بودم. شگفتی من اما در برج شهید از غریبگی این استوانه در سرزمینی بود که در آن 2500 مین سالگرد ورود صاحبش به بابل را جشن گرفته بودند. می دیدم که آن روزها کمتر کسی حتی اصطلاح «حقوق بشر» را شنیده و به مفهوم آن پی برده است و، به همین دلیل، به استوانه کورش در بنای شهید تنها به چشم یک شیئی تاریخی دیگر نگریسته می شود که امثال آن در همه موزه های جهان پراکنده است. و کسی هم در پی توضیح نکات شگرف مندرج در آن نبود.

4. به مناسبت این جشن ها، سفارتخانه های ایران در سراسر دنیا موظف بودند تا جشن های مختلفی را برپا کنند. یکی از این جشن ها از جانب هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل انجام گرفت. به همین مناسبت هم بود که سازمان ملل رسماً منشور کورش بزرگ را به عنوان اولین اعلامیه حقوق بشر شناخته و تصمصیم گرفت تا آن را به زبان های مختلف کشورهای عضو سازمان ترجمه و منتشر کند [8].

5. در عین حال، تصمصیم گرفته شد که نسخه ای از روی استوانه موزه بریتانیا تهیه شده و در محفظه ای شیشه ای در طبقه دوم ساختمان سازمان ملل در نیویورک، در میان درهای ورودی شورای امنیت و شورای اقتصاد آن سازمان، قرار گیرد. معاون کنونی دبیرکل سازمان ملل، در فیلم مستند بی.بی.سی، علت انتخاب این جایگاه را چنین شرح می دهد: «استوانه در آن مکان جای گرفت تا نمایندگان ملل که برای شرکت در اجلاس های این دو شورای مهم وارد این سالن ها می شوند از برابر آن بگذرند و به یاد آورند که مهمترین وظیفه آنان پاسداری از حقوق بشر است» [9].

6. در همان زمان این بحث هم در سازمان ملل مطرح شد که روز 29 اکتبر را بعنوان روز جهانی حقوق بشر اعلام کنند. اما، با اتمام جشن های 2500 ساله که بلافاصله مصادف شد با شروع جنگ های چریکی در ایران و حبس و شکنجه و تیرباران مبارزان، این بحث که باید تبدیل به قطعنامه ای می شد و به تصویب اعضاء می رسید، به بوته فراموشی سپرده شد. بدینسان، در فاصله هفت ساله 1350 تا 1357، که رژیم سلطنتی همچنان در ایران مستقر بود، دیگر هیچ گونه کوششی در این زمینه به عمل نیامد و، از آنجا که در آن سال ها خود رژیم از جانب سازمان های بین المللی به نقض حقوق بشر متهم شده بود، دیگر تمایلی برای تأکید بر این واقعیت که ایران خاستگاه نخست اندیشه مبتنی بر حقوق بشر است وجود نداشت. اینگونه بود که سازمان ملل هم، لابد برای پرهیز از اختصاص چنین روزی به کشوری نا استوار بنام ایران اسلامی، در سال 1997 تصمصیم گرفت که روز جهانی حقوق بشر را در 10 دسامبر - که سالروز امضای اعلامیه حقوق جهانی بشر در سال 1943 است - مقرر سازد. [10] با این وجود، نه فقط در این یکی دو سال گذشته که هر ساله، در بزنگاه 29 اکتبر، عاشقان ایران و کورش و اندیشه های بزرگ او، این روز را به عنوان یادمان او گرامی داشته اند، بی آنکه هیچ دستگاه رسمی ایرانی یا جهانی در این مورد اقدامی کرده باشد.

بدینسان، متأسفانه، نتیجه برگزاری جشن های 2500 ساله، با تأکید بر اهمیت شاهنشاهی کورش و به دست فراموشی سپردن مقام او به عنوان نخستین انسان صاحب قدرتی که از آزادی های گوناگون و حقوق مختلف آحاد انسان ها سخن گفته و این آزادی ها و حقوق را تبدیل به قانون کرده است، موجب شد که از آن پس و تا هم اکنون، برخی از مخالفان سلطنت، به آنچه که در حوالی سالگرد جشن های تاج گذاری و برپایی جشن های 2500 ساله اتفاق می افتد حساسیت نشان داده و ما را از انجام هرگونه تکریمی نسبت به شاهان ایران، حتی اگر این شاه کورش بزرگ باشد، پرهیز داده و گاه حدوث وقایع عصر کورش را در تاریخ هائی که شرح دادم نیز منکر می شوند و می کوشند تا نشان دهند که اگر قرار است روز خاصی برای کورش در نظر گرفته شود بهتر است که آن را به وقایع ماه اکتبر (که یادآور جشن های شاهنشاهی نباشد) مربوط نکنیم.

این ماجرا (یا بهتر است بگویم «کوشش آگاهانه») در راستای انکار اهمیت ماه مهر (اکتبر) در نزد ما ایرانیان، متأسفانه، درست در موقعیتی اتفاق می افتد که آگاهی همگانی نسبت به وقایع ماه اکتبر در زمان زندگی کورش روز به روز بیشتر می شود و مردم ما هم مایلند که از این آگاهی گسترنده بین المللی به سود سربلندی خود استفاده کنند و، با تکیه زدن بر میراث گرانقدر این مرد بزرگ، به دنیائی که به آنان به چشم گروگان گیر و تروریست و استتصادی پرور می نگرد، بگویند که ما اینگونه که می بینید نیستیم و در پس پشت ما تاریخی دیگر هم ایستاده است.

حساسیت این امر، بخصوص در دو ساله اخیر، با پیش آمدن ماجرای سد سیوند و به مخاطره افتادن دشت باستانی پاسارگاد به مراتب بیشتر شده است. اقدام بزرگ هم میهنان ما و نیز مردم سراسر جهان برای جلوگیری از این جنایت فرهنگی، با آگاه شدن ایرانیان و جهانیان نسبت به ارزش های اصلی تفکر کورش بزرگ (که در سایه پادشاه بودنش مکتوم مانده بود) بیش از پیش تعمیق می یابد.

در ارتباط با توجه جهانی به مقام معنوی کورش، یکی از حوادث مهم سال های اخیر به ثبت رسیدن آرامگاه کورش و محوطه های باستانی اطراف آن، مربوط می شود. فرانچسکو باندارین، مدیر مرکز میراث جهانی یونسکو، به مناسبت ثبت پاسارگاد در فهرست «میراث فرهنگی بشریت» اعلام داشت که: «این روح کوروش و پاسارگاد است که به فهرست میراث جهانی ارزش می دهد» [11]؛ و «پاسارگاد جواهری است که به فهرست میراث جهانی زینت و شرافت می دهد» [12]. اهمیت این سخنان چنان بود که احمد جلالی، سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی در یونسکو، نیز پس از تصویب ثبت این اثر اذعان داشت که: «امروز برای ما ایرانیان و جهانیان روز مبارکی است، چرا که، پس از گذشت 2500 سال، جامعه جهانی با قرار دادن پاسارگاد در فهرست میراث جهانی، در واقع به میراث انسانی کوروش کبیر، که این اثر را بنا نهاد، احترام می گذارد» [13].

اینجاست که من به راستی درک نمی کنم چرا این حساسیت ما در مورد نظر جهانیان نسبت به خودمان باید نوعی تقصیر نابخشودنی محسوب شود. به راستی چرا برخی از میان ما علاقه مردم کشور خود به سرفراز بودن در میان جهانیان را «عجیب» می یابند و از اینکه آنان نسبت به توجه سازمان های بین المللی به مظاهر فرهنگی ما حساسیت نشان دهند بر می آشوبند و می کوشند از ارزش این توجه بکاهند.

البته درست این بود که دولتی برخاسته از قلوب مردم ایران کورش را بزرگ بخواند و از او تجلیل کند و برایش روز خاص تعیین کند، اما در روزگاری که حکومت اسلامی مجدانه قصد دارد میراث گرانقدر همین مرد، این سرمایه معنوی و ملی ما، را به آب بندد و از بین ببرد، مردم ما جز توسل به سازمان های بین المللی (که پا در توحشی مدنیست کش ندارند

و برای پاسداری از میراث فرهنگی نه یک ملت که همه جهان برخاسته اند) چاره ای ندارند،

باری، به نظر من، به عنوان یک نویسنده و شاعر پارسی گوی و مفتخر به هموطنی با کورش هخامنشی، و نیز یک محقق کوچک فرهنگ و تاریخ ایران، سراسر مهر ماه، بی هیچ تردیدی، ماه کورش بزرگ است؛ در روزهای همین ماه بوده است که اعلامیه حقوق بشر از جانب او صادر شده و برایش چنین مقام رفیعی را در حافظه تاریخی جهانیان فراهم ساخت. من فکر می کنم که وظیفه هر ایرانی است که در این ماه، و به خصوص در روز 29 اکتبر، که سال هاست به صورتی خودجوش در میان ایرانیان «روز کوروش» خوانده می شود، این خاطره ملی را با برگزاری نشست ها و شادخواری های گوناگون قدر بگذارد؛ چرا که این دیگر شک بین نمازهای دوگانه و سه گانه نیست که حکیمان و سواسی، در نور پیه سوزها، دنبال واقعیت آن بگردند. واقعیت حضور کوروش و صدور اعلامیه افتخار آفرین او در این ماه و روزها بسیار روشن تر از همه تردیدهای است که مطرح می شود.

* - در این مقاله تنها به منابعی اشاره شده که بر روی اینترنت وجود دارند و خوانندگان می توانند با سهولت به آنها مراجعه کنند.

1

<http://www.historyworld.net/wrldhis/PlainTextHistories.asp?historyid=aa10>
http://www.bible-history.com/babylonia/BabyloniaThe_Fall_of_Babylon.htm
http://en.wikipedia.org/wiki/Babylon#Babylon_under_Persia
<http://visopsys.org/andy/essays/herodotus-babylon.html>
http://www.iranchamber.com/history/herodotus/herodotus_history_book1.php

2 و 3

Tolini, Gauthier, *Quelques éléments concernant la prise de Babylone par Cyrus*, Paris. "Il est probable que des négociations s'engagèrent alors entre Cyrus et les chefs de l'armée babylonienne pour obtenir une reddition sans recourir à l'affrontement armé." - p. 10
<http://www.achemenet.com/ressources/enligne/arta/pdf/2005.003-Tolini.pdf>

4

Missler, Chuck, *The Fall of Babylon Versus The Destruction of Babylon*, p. 2
<http://www.pre-trib.org/pdf/Missler-TheFallOfBabylonVers.pdf>
<http://www.theology.edu/lec22.htm>

5

http://store.khouse.org/store/catalog/DL108.html?mv_pc=KHAR-523

6

http://en.wikipedia.org/wiki/Babylon#Babylon_under_Persia

7

<http://www.irdc.ir/event.asp?action=edit&id=80>
<http://www.mihan.net/82/mihan-82-17.htm>

8

http://www.iranchamber.com/history/cyrus/cyrus_charter.php

9

<http://www.savepasargad.com/audio-video/cyrus%20the%20great.wmv>

10

<http://www.ohchr.org/english/events/day2005/hrd2005.htm>

11

<http://www.chn.ir/News/?section=2&id=10138>

12

<http://www.chn.ir/News/?section=2&id=10596>

13

<http://www.chn.ir/News/?section=2&id=10138>

Archive for all Nooriala's articles:

<http://www.puyeshgaraan.com/ES.Articles/ES.Articles.Lists.htm>